

مطالعه تطبیقی احساس امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست (مطالعه‌ای در شهر رامهرمز)

جعفر کردزنگنه^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی احساس امنیت اجتماعی در هشت بعد (امنیت جانی، مالی، فرهنگی، حقوقی، نوامیس، اخلاقی، احساسی و عاطفی) در بین زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست در شهر رامهرمز است. با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۲۲۲ زن سرپرست خانوار و با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۲ زن دارای سرپرست (۴۲۴ نفر) به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایش با پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۷۶ تائید گردید. یافته‌های پژوهش بین تحصیلات، نگرش به پوشش، درآمد، حمایت اجتماعی، علت سرپرستی و احساس امنیت اجتماعی رابطه نشان می‌دهد. نتایج آزمون T نشان می‌دهد که میانگین احساس امنیت اجتماعی بین زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست در ابعاد مالی، جانی، احساسی، عاطفی و فرهنگی تفاوت معنی‌داری با هم دارند. تحلیل چندمتغیری نشان می‌دهد که در هر دو گروه از زنان مورد مطالعه متغیرهای حمایت اجتماعی، سواد و درآمد تغییرات احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کنند. با پذیرش نقش این سه متغیر در توانمندی زنان، این نتیجه به دست می‌آید که توانمندسازی زنان (بدون در نظر گرفتن اینکه سرپرست خانوار باشند یا دارای سرپرست)،

نقش مهمی در احساس امنیت اجتماعی آنان دارد و سبب بالا رفتن اعتماد به نفس، کسب یک هویت مستقل، بهبود وضعیت اجتماعی آنها و در نهایت احساس امنیت بیشتر در ایشان می‌شود که کل جامعه از آن منتفع خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، زنان سرپرست خانوار، حمایت اجتماعی، توانمندی زنان.

مقدمه و بیان مساله

زنان، به ویژه زنان سرپرست خانوار از مهم‌ترین گروه‌هایی هستند که به علت موقعیت شکننده و آسیب‌پذیرشان در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع، به خصوص کشورهای در حال توسعه در کانون توجه محققان و برنامه‌ریزان در حوزه امنیت پژوهی و احساس امنیت قرار گرفته‌اند. در فهم مسائل اجتماعی زنان و مهم‌تر از آن در تدوین سیاست‌های اجتماعی مرتبط با آن باید توجه داشت که زنان جمعیتی همگن و واحد نیستند و در میان آنها گروه‌های کوچک و متکثر مانند زنان سرپرست خانوار وجود دارند که بر اساس آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۰، سرپرستی ۱۲/۱ درصد کل خانوادهاى کشور را به عهده دارند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰). این گروه از زنان ضمن برخی هم‌پوشانی‌ها و داشتن مسائل اجتماعی مشترک با معضلات خاص و متمایز نیز مواجه هستند. لذا در تحقیقات اجتماعی باید موقعیت زنان درباره مولفه‌ها و ویژگی‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، مکانی، امنیتی و ... مطالعه شود. از این رو در پژوهش حاضر به بررسی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به زنان یعنی احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه دو گروه از زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست پرداخته خواهد شد.

امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. در تعریف لغوی، امنیت عبارت است از محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است (بوزان^۱، ۱۳۷۸). در باب احساس امنیت تعاریف متفاوتی وجود دارد که هر کدام از زاویه‌ای مقوله امنیت را مورد اشاره قرار داده‌اند از جمله اینکه احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از

تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشار ۱۳۸۵). احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود (گروسی، میرزائی و شاه‌رخی ۱۳۸۶). در مجموع می‌توان مفهوم امنیت را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیافتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود (ریچارد ۱۳۸۱). یکی از انواع امنیت، امنیت اجتماعی است که از جایگاه و موقعیت برجسته‌ای برخوردار بوده و تولید و تامین آن و همچنین پایدارسازی آن نیازمند مقدمات و زمینه‌های نسبتاً پیچیده‌ای بوده و آسیب‌پذیری و زوال آن نیز تحت تاثیر زمینه‌ها و متغیرهای متفاوتی است که شناخت و معرفت بر آنها نیز ضرورتی اساسی دارد (افشانی و ذاکری هامانه ۱۳۹۱).

احساس امنیت در گروه‌های اجتماعی مختلف، گستره متفاوتی دارد. زنان، تا زمانی که در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان و غیره امنیت نداشته باشند، مسلماً احساس آرامش نیز نخواهند کرد. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و غیره همگی می‌توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان مؤثر واقع شوند. احساس امنیت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با آسایش روانی و ذهنی انسان‌ها دارد و از مولفه‌های اصلی رفاه اجتماعی است. با توجه به این که زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، پرداختن به مسایل زنان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروز است. مشارکت و حضور زنان در بخش‌های مختلف جامعه این ضرورت را بیش از پیش آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، اهمیت مسئله امنیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها به اندازه‌ای است که در صورت فقدان احساس امنیت، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می‌شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند.

امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، به طوری که آبراهام مازلو نیز در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (کاهه، ۱۳۸۴: ۳۳۱).

معمولاً خانوارهایی که به وسیله‌ی زنان سرپرستی می‌شوند، از نظر دستیابی به امکانات و خدمات محدودیت دارند. زنان سرپرست خانوار اغلب با عواملی مانند دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی، کم‌سواد بودن و نداشتن درآمد مستمر مواجه‌اند. این در حالی است که روزبه‌روز بر تعداد این زنان سرپرست خانوار افزوده می‌شود. آنچه امنیت زنان سرپرست خانوار را به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی مطرح می‌کند، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شوند و احساس امنیت نکنند. ناامنی برای آنها به مشکلات دیگری هم دامن زده و روابط اجتماعی‌شان را محدود می‌کند (معیدفر و حمیدی ۱۳۸۶: ۱۵۵). بنابراین می‌توان گفت، فشار مسئله‌ی اقتصادی بر روی زنان سرپرست خانوار تنها مشکلی نیست که امنیت آنها را تهدید می‌کند. در اثر تداوم چنین شرایطی، سرمایه‌ی اجتماعی رو به زوال می‌رود و در درازمدت پیامدهای منفی بسیاری بر جامعه‌ی انسانی می‌گذارد. مطالعه‌ی حاضر به همین منظور و در پی شناسایی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست تا چه اندازه احساس امنیت می‌کنند؟ و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در احساس امنیت آنها کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

افشانی و ذاکری‌هامانه (۱۳۹۱) به مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد پرداختند. این تحقیق که بر روی ۲۴۶ نفر از ساکنان شهر یزد انجام شد امنیت اجتماعی را در دوازده بعد مورد سنجش قرار داد. یافته‌های تحقیق نشان داد که احساس امنیت جانی در زنان یزدی به طور معنادارتری کمتر از مردان یزدی بوده؛ در حالی که احساس امنیت اقتصادی در مردان یزدی به طور معنادارتری کمتر از زنان بوده است. در سایر ابعاد تفاوت معنی‌داری بین زنان و مردان مشاهده نگردید.

هدف از مقاله سیدمیرزایی، عبداللهی و کمریگی (۱۳۹۰) مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (فوت همسر و مطلقه) تحت پوشش سه سازمان حمایتی

کمیته امداد امام ره، بهزیستی و بنیاد شهید در ابعاد امنیت عاطفی، ارتباطی، مالی و جانی است. تکنیک تحلیل عامل نشان داد حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر بسزایی دارد. همچنین، در یافته‌ها رابطه بین سازمان حمایت‌گر و امنیت اجتماعی تأیید شد.

کامران و عبادتی نظری (۱۳۸۹) عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه‌های تهران را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای طبقه اجتماعی، حمایت خانواده، پایداری به آداب و رسوم قومی، سن و اعتماد به عملکرد قانون، پنج متغیر عمده‌ای هستند که بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی دانشجویان زن کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی مؤثرند این پنج متغیر جمعا ۸۹/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

نبوی و حسین‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی را بررسی کرده‌اند. احساس امنیت اجتماعی افراد در این پژوهش در سه بعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت سیاسی بررسی شده است. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق نشان داد که از مجموع عوامل مطرح شده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزاینده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی، اثر کاهنده‌ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی‌قدرتی، به صورت مستقیم بر هویت قومی و به صورت معکوس بر هویت ملی افراد تأثیرگذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد اثرگذارند.

میرزا حسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان بررسی امنیت اجتماعی زنان قم به مطالعه این مقوله پرداخته است. وی می‌گوید پیامدهای عدم امنیت در بانوان، تنها به خود آنها محدود نمی‌شود، بلکه دامنه آن به فرزندان، خانواده‌ها، و در نهایت کل جامعه نیز سرایت می‌نماید. او بر اساس نتایج بیان می‌کند که در مجموع، پاسخگویان سطح متوسطی از احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهند. همچنین، در بین مقیاس‌های اصلی امنیت اجتماعی، پاسخگویان بهترین وضعیت را در زمینه خانوادگی نشان می‌دهند. آنان در زمینه امنیت سیاسی، امنیت محیطی و امنیت

سلامت، وضعیت متوسطی را گزارش کرده‌اند. بدترین وضعیت نیز به امنیت فرهنگی و امنیت اقتصادی تعلق دارد.

نوروزی و فولادی (۱۳۸۸) در پژوهشی تبیینی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج آماری آزمون‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم، و متغیر پایبندی مذهبی تأثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایبندی مذهبی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سهم عمده‌ای داشتند. بل^۱ (۱۹۹۸) با مطالعه زنان استرالیایی معتقد است که زنان به طور عام از مواردی نظیر بیرون رفتن در شب، موقعیت‌های ابتدایی یا انتهایی در سفرهای حمل و نقل عمومی مثل منتظر ماندن در یک ایستگاه اتوبوس یا پیاده روی از یک ایستگاه به سمت ماشین پارک شده، استفاده از پارکینگ‌های مرکز شهر به ویژه در شب و در طبقات، رانندگی تنها در شب، فضاهای باز و حومه‌ای و زیرگذرها و کوچه‌های بن بست واهمه دارند. استانکو^۲ (۱۹۹۲) در پژوهشی در جامعه ایالات متحده نشان می‌دهد که ترس از وقوع جرم در زنان (ترس از مورد تجاوز قرار گرفتن) سه برابر مردان است. بونتی و پاسکال^۳ (۲۰۰۷) معتقدند که زنان و دختران فرانسوی از زندگی کردن در مکان‌هایی که مطابق آمارهای رسمی جرم و ناامنی در آن‌ها زیاد است و به اسم محله‌های مسئله دار شناخته می‌شود در هراسند و نسبت به آنها احساس ناامنی دارند. بررسی‌های ویور^۴ (۲۰۱۰) در ایالات متحده نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی با احساس امنیت زنان در رابطه است و زنانی که در خانواده خود مورد توجه همسر و حتی فرزندان خود هستند، احساس آرامش و امنیت بیشتری دارند و با شادی و نشاط بیشتر کارهای روزمره خود را پیگیری می‌نمایند.

1 Bell

2 Stanko

3 Bonnete & Pascal.

4 Weaver, D.

ادن- مورفیلد، پازلی، دولان و انگل^۱ (۲۰۰۷) در مقاله "از طلاق تا ازدواج مجدد" به بررسی میزان امنیت در میان زنانی که طلاق گرفته و مجدداً ازدواج کرده‌اند، می‌پردازند. نتایج حاکی از این است که این زنان چالش‌های متعددی، بخصوص چالش‌های اقتصادی را تجربه کرده‌اند که همین قضیه تبعاتی مثبت و منفی نیز داشته است. مشکلات اقتصادی مهمترین عاملی بوده است که امنیت زنان را متأثر کرده است؛ اما با این وصف، از آنجایی که تلاش کرده‌اند مسائل مالی را حل کنند، پس از ازدواج مجدد مشکلات مالی کمتری داشته‌اند و در نتیجه، میزان امنیت در میان آنها افزایش یافته است. پانیک^۲ در مقاله‌ای با عنوان "امنیت اجتماعی" به بررسی این مقوله از دیدگاه مکتب "کوپنهاگن"^۳ می‌پردازد. او می‌گوید در دهه ۱۹۹۰ نظریه پردازان این مکتب باب جدیدی را در مطالعات امنیت اجتماعی گشودند. پیش از آنها این مفهوم صرفاً در مطالعات نظامی به کار برده می‌شد، اما آنها این مفهوم را گسترش دادند و در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی استفاده کردند. پنج سطح اصلی تحلیل در مکتب کوپنهاگن عبارتند از: سیستم بین‌المللی، خرده سیستم بین‌المللی، واحد، خرده واحد و فرد. دونا و دونا^۴ (۲۰۰۷) این مسأله را در مهاجرت کردهای عراق به کشورهای اروپای شرقی مطالعه کرده‌اند و کاهش میزان امنیت اجتماعی را در میان مهاجران و همچنین کشورهای مهمان مشاهده نموده‌اند. جکسون^۵ (۲۰۰۶) در بررسی امنیت اجتماعی و پایداری به فواید غیررسمی نتیجه می‌گیرد که تصورات از انسجام اجتماعی، اعتماد و کنترل اجتماعی غیررسمی و تفسیرها از ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات مردم تشکیل‌دهنده اجتماع، درست به همان اندازه تفاسیر مربوط به پنجره‌های شکسته و عدم امنیت در شکل دادن به تصور مخاطره نقش دارند، زیرا سبب نقض اعتمادی می‌شوند که انتظارات منفی را پنهان نگه می‌دارند و به احساس ناامنی می‌انجامد.

کیم^۶ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای مفهوم امنیت اجتماعی را بررسی و سپس ارتباط پدیده مهاجرت را با پایداری منطقه‌ای با استفاده از مفهوم امنیت اجتماعی در آسیای مرکزی و روسیه بیان می‌کند.

1 Eeden-Moorefield, Pasley, Dolan and Engel.

2 Panic

3 Copenhagen

4 Duna, & Duna.

5 Jackson, J.

6 Kim

نتایج تحقیق کیم بیانگر این است که افزایش پدیده مهاجرت به مناطق مذکور موجب شده است که بازار کار ساکنان اصلی دچار مشکل شود و در نتیجه، پایداری داخلی در خطر افتاده و احساس امنیت اجتماعی مردم کاهش یافته است.

در مجموع باید گفت که در مطالعات مرور شده کمتر به بحث احساس امنیت در حوزه‌های اختصاصی تر مانند زنان سرپرست خانوار و مقایسه آنان با زنان دارای سرپرست توجه شده است. این در صورتی است که مسئله زنان سرپرست خانوار، یکی از مسائل نوظهور اجتماعی جمعیتی در ایران است که به علت نداشتن حمایت مردان در خانواده، موقعیت‌شان به مراتب شکننده‌تر و آسیب‌پذیرتر از سایر اقشار زنان است؛ لذا باید با دقت بیشتری به مسائل زنان سرپرست خانوار از جمله، موضوع احساس امنیت در آنها پرداخت.

چارچوب نظری پژوهش

از منظر جامعه‌شناسی سطوح متعددی برای امنیت در نظر گرفته شده است که مهم‌ترین آنها امنیت در سطح خرد و کلان است. بر این اساس تعاریف مربوط به امنیت حداقل در سه دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، تعاریفی هستند که بر تهدید هویت جمعی تأکید دارند. بوزان^۱ امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو گروه خاصی تلقی کرده‌اند. از دیدگاه وی امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی و ... در حفظ هستی و هویت خود. در واقع، بوزان امنیت را حالت فراغت از هویت جمعی و گروهی تلقی می‌کند (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹). دسته دوم تعاریف، امنیت را به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه می‌دانند. اگر امنیت اجتماعی شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنها باشد، می‌توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال دهنده اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت. این نوع تعریف از امنیت شامل امنیت حاصل از فضای اجتماعی است؛ این فضای اجتماعی سطح کلان یا دولت به معنای عام را در بر نمی‌گیرد. امنیت اجتماعی فقط به سطح امنیت فرد محدود نمی‌شود،

بلکه بر مجموعه‌ای از افراد تأکید می‌کند که عنصر یا عناصری ویژه مانند جنسیت، قومیت، مذهب و ... آنها را به هم مرتبط می‌کند و با تهدید ارزش‌های اتصال دهنده‌ی افراد، امنیت اجتماعی متزلزل می‌شود. دسته‌ی سوم از تعاریف، بر فراغت جمعی از تهدیدی که عمل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد و یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می‌کند (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹). در این تحقیق، از میان دسته‌های مطرح شده، نظریه‌ی بوزان به همراه مکتب کوپنهاگ به کار گرفته می‌شود.

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب مردم، دولت‌ها، هراس به کار برد. امنیت اجتماعی تنها یکی از بخش‌های پنج‌گانه‌ی رویکرد پنج بعدی او به فرضیه‌ی امنیت است. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارتند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی. به‌طور کلی، امنیت نظامی به آثار متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه‌ی دولت‌ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی است که به آنها مشروعیت می‌بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح مقبولی از رفاه و قدرت دولت و امنیت اجتماعی یعنی قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی که با شرایط مقبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی بر حفظ محیط جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است، ناظر است. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند. هر یک از آنها کانون مهمی در درون مسئله‌ی امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها داشته و از طریق ارتباط‌های قوی به یکدیگر متصل هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

از نظر بوزان، امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که بر اساس آن افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد. نکته‌ای که بوزان با ظرافت به آن اشاره می‌کند، این است که ممکن است در جامعه‌ای امنیت وجود داشته باشد، اما به دلایلی فرد احساس امنیت نکند. وی می‌گوید که احساس ایمنی ذهنی یا اعتماد به دانستنی‌های فشرده، به هیچ روی به منزله‌ی وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت‌های شخصی نیست؛ برای مثال، اگر فرد مرفهی را در کشوری مرفه در نظر بگیریم، نمی‌توان چندان مطمئن بود که امنیت در مفهوم جامع آن برای

وی تأمین شود، چرا که هر یک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی، از جمله تهدیدات طبیعی (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال)، تهدیدات حقوقی (زندانی شدن، فقدان آزادی بیان)، تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل، تنزل رتبه)، تهدیدات اجتماعی (نبود اعتماد، فقدان تعهد، از دست دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی)، تهدیدات فرهنگی (دسترسی نداشتن به دانش و معرفت و تضعیف الگوهای فکری-رفتاری) قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶).

به طور کلی، از نظر بوزان آنچه سبب سامان یافتن گروه اجتماعی می‌شود، احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی خواهد بود. پس گروه اجتماعی کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه‌ها و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به عنوان "ما" یاد می‌کنند؛ برای مثال ما مسلمان‌ها، ما زنان و ... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه شود، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود (همان: ۴۳). در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که بوزان بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنوی ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. همان‌گونه که اشاره شد، از نظر بوزان امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر به جنبه‌هایی از زندگی فرد معطوف می‌شود که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد؛ لذا از این نظریه در حوزه‌ی هویت خواهی، متغیرهایی چون نگرش به حجاب و اعتماد بین فردی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند.

ویور^۱ (۲۰۱۰) از دیگر نظریه پردازان مکتب کپنهاگ در کتاب هویت خود رویکرد پنج بعدی بوزان از امنیت را نقد می‌کند. وی حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. امنیت اجتماعی در نظریه ویور بخشی از امنیت دولتی به شمار می‌رود، اما به عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده شده است. در حالی که امنیت ملی، درگیر و دل مشغول تهدیدات متعرض دولت است، امنیت اجتماعی نگران تهدیداتی است که به هویت جامعه تعرض می‌کنند. بنابراین، اگرچه دولت اکنون محمل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به شمار می‌رود (روی، ۱۳۸۲: ۶۸۲-۶۸۳). با چنین نگرشی امنیت اجتماعی تنها با کاربرد آن برای بررسی گروه‌ها یا واحدهای جمعی - که به عنوان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شده‌اند. فهمیده می‌شود و مفهوم امنیت اجتماعی با هر شکل خاص اجتماع سیاسی مانند گروه‌های ملی، گروه‌های قومی یا اجتماعات مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. از آنجا که همه‌ی جوامع یک تعداد از گروه‌های با هویت خاص خود را دارند (مثل زنان)، بنابراین، این گروه‌ها، واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی به حساب می‌آیند (نبوی و حسین‌زاده ۱۳۸۹). از مباحث نظری ویور نیز متغیر مهمی مانند حمایت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. طبق نظریه‌های مکتب کپنهاگ، زنان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که هویت مخصوص به خود را دارند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ها، تعهد مذهبی و ... می‌توانند در ایجاد احساس امنیت در آنها دخیل باشند؛ چنان‌که این عوامل می‌توانند در حقوق زنان، آزادی بیان و آزادی دینی تأثیرگذار باشند و به انواع تهدیداتی که بوزان به آن اشاره می‌کند، منتهی شوند (جهانگیری و مساوات، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۷).

بنابراین با توجه به نظریه‌های مطرح شده می‌توان فرضیه‌ها را به صورت زیر تعریف کرد.

- ۱- بین نگرش زنان نسبت به پوشش و احساس امنیت اجتماعی در آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان حمایت اجتماعی درک شده توسط زنان و احساس امنیت اجتماعی در آنان رابطه وجود دارد.

۳- بین علت سرپرستی زنان (مطلقه، بیوه، همسر از کار افتاده و...) و احساس امنیت اجتماعی در آنان رابطه وجود دارد.

۴- بین وضعیت اشتغال زنان و احساس امنیت در آنان رابطه وجود دارد.

۶- بین میزان تحصیلات و درآمد و احساس امنیت در زنان رابطه وجود دارد.

روش و داده‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل دو گروه از زنان است. گروه اول زنان سرپرست خانوار تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان رامهرمز (به عنوان زنان سرپرست خانوار) بودند که طبق آخرین آمار سال ۱۳۹۴ تعداد آنها برابر با ۱۳۱۴ نفر بوده است و بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۲۲ نفر از این زنان به عنوان گروه اول نمونه بصورت تصادفی ساده انتخاب شدند. گروه دوم شامل کلیه زنان شهر رامهرمز که دارای سرپرست هستند می‌باشد که از این گروه نیز ۲۰۲ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس یا اتفاقی انتخاب شدند. قابل ذکر است که در این نوع از نمونه‌گیری محقق نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که بر حسب اتفاق در دسترس او قرار می‌گیرد (سرایی، ۱۳۸۲: ۱۱). به همین علت با مراجعه به مکان‌های عمومی از قبیل پارک‌ها، مراکز خرید و همچنین اداره‌های مختلف زنانی که به طور اتفاقی در دسترس بودند و حاضر به همکاری بودند انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که تعداد گویه‌ها و ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی و نگرش زنان نسبت به پوشش و نحوه سنجش آنها در جدول ۱ نشان داده شده است. همچنین جهت بررسی اعتبار محتوای آن، پرسشنامه ساخته شده به چند نفر از اساتید و متخصصان نشان داده شد و با استفاده از نظرات آنان اصلاح گردید. روایی متغیرهای اصلی پژوهش پیش‌رو از طریق معیار آلفای کرونباخ بدست آمده که در جدول ۱ آورده می‌شود.

جدول ۱: مقدار آلفا و دامنه امتیازات گویه‌های متغیرهای اصلی تحقیق

آلفای کرونباخ	حداکثر امتیاز هر بعد	حداقل امتیاز هر بعد	حداکثر امتیاز گویه	حداقل امتیاز گویه	تعداد گویه	ابعاد احساس امنیت اجتماعی
۰/۸۰۱	۳×۵=۱۵	۳×۰=۰	۵	۰	۳	امنیت جانی
۰/۶۲۷	۴×۵=۲۰	۴×۰=۰	۵	۰	۴	امنیت مالی
۰/۶۳۲	۴×۵=۲۰	۴×۰=۰	۵	۰	۴	امنیت احساسی
۰/۶۲۳	۴×۵=۲۰	۴×۰=۰	۵	۰	۴	امنیت عاطفی
۰/۳۷۶	۴×۵=۲۰	۴×۰=۰	۵	۰	۴	امنیت اخلاقی
۰/۵۳۱	۴×۵=۲۰	۴×۰=۰	۵	۰	۴	امنیت فرهنگی
۰/۴۸۰	۴×۵=۲۰	۴×۰=۰	۵	۰	۴	امنیت حقوقی
۰/۷۵۱	۴×۵=۲۰	۴×۰=۰	۵	۰	۴	امنیت نوامیس
۰/۸۷۶	۱۵۵	۰	-	-	۳۱	شاخص کلی احساس امنیت اجتماعی
۰/۸۲۵	۶×۵=۳۰	۶×۰=۰	۵	۰	۶	حمایت اجتماعی
۰/۸۱۱	۵×۵=۲۵	۵×۱=۵	۵	۱	۶	نگرش زنان نسبت به پوشش

تعریف عملیاتی از مفاهیم و متغیرهای تحقیق به شرح زیر است.

سرپرست خانوار: سرپرست خانوار به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای بر سایر اعضای خانوار دارد. معمولاً مسن‌ترین فرد خانوار است و مسئولیت اقتصادی خانوار به عهده وی است (مک‌گوان^۱، ۱۹۹۰: ۲۱۶).

در جوامع مختلف بسته به الگوهای فرهنگی خاص جامعه، تعاریف متفاوتی برای زنان سرپرست خانوار با توجه به نقش‌های مختلف زنان در خانواده وجود دارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت زنان سرپرست خانواده، زنانی هستند که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند (سیدمیرزائی، عبداللهی و کمربگی، ۱۳۹۰: ۸۳).

احساس امنیت اجتماعی: در یک تعریف مناسب از احساس امنیت اجتماعی می‌توان گفت: احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱). احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود (گروسی، ۱۳۸۶: ۳۰).

به منظور سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی در تحقیق حاضر، این مقوله در هشت بعد جداگانه و برای هر بعد ۴ گویه به غیر از بعد احساس امنیت جانی که با سه گویه مورد سنجش قرار گرفت و جمعا^۱ ۳۱ گویه در یک طیف شش درجه‌ای سنجیده شد.

حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی مفهومی چند بعدی است که به اشکال و طرق مختلفی تعریف شده است. برای مثال، می‌توان آن را به عنوان یک منبع فراهم شده توسط دیگران، به عنوان امکاناتی برای مقابله با استرس، یا یک مبادله‌ای از منابع تعریف نمود (شولتز و شوارتزبرگ^۱، ۲۰۰۴).

برخی از پژوهشگران، حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه، و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان، و دیگران مهم تعریف کرده‌اند (سارافینو^۲، ۱۹۹۸). در مجموع، شاید بتوان گفت که حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قائلند و این که او به یک شبکه اجتماعی متعلق است. در این تحقیق جهت سنجش و اندازه‌گیری میزان حمایت اجتماعی از مقیاس شش گویه‌ای حمایت ادراک شده زیمت، داهلم، زیمت و فارلی^۳ (۱۹۹۸) استفاده شده است.

نگرش زنان نسبت به پوشش: این مقوله ارزش‌گذاری و داوری عمومی زنان درباره نحوه پوشش خودشان می‌باشد. در تحقیق حاضر به منظور سنجش نگرش زنان نسبت به پوشش از ۶ گویه استفاده شد. که ضریب آلفای کرنباخ بدست آمده (۰/۸۱۱) نشان دهنده میزان بالای همسانی درونی این گویه در اندازه‌گیری مفهوم مورد نظر بود.

1 Schulz, Ute & Schwartzberg, Ralf

2 Sarafino, Edward. P

3 Zimet, G.D., Dahlem, N.W., Zimet, S.G., Farley, G. K.

یافته‌ها

داده‌های جدول ۲ حاکی از آن است که بیشترین درصد پاسخگویان در هر دو گروه از زنان به گروه سنی ۳۱-۴۵ سال تعلق داشتند و سپس گروه سنی ۱۵-۳۰ سال. میانگین سنی نمونه مورد بررسی در زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست به ترتیب ۳۸/۴ و ۳۴/۲ سال بود. قابل ذکر است که در بین زنان سرپرست خانوار، کمترین میانگین سنی به زنان سرپرست خانوار به علت طلاق، ۳۵/۶ سال و سپس به زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر ۳۸/۲۲ تعلق داشته و بیشترین میانگین سنی به زنان سرپرست خانوار به علت فوت همسر با ۴۱/۸ سال تعلق داشت. از نظر وضع اشتغال، زنان دارای سرپرست شرایط بهتری نسبت به زنان سرپرست خانوار داشتند بطوری که فقط ۱۲/۲ درصد از زنان سرپرست خانوار مورد بررسی در برابر ۴۵/۵ درصد از زنان دارای سرپرست مورد بررسی شاغل بودند. ۳۱/۵ درصد زنان سرپرست خانوار دلیل سرپرستی خود را فوت همسر، ۲۷/۹ درصد طلاق، ۱۹/۸ درصد از کار افتادگی همسر و ۹/۶ درصد سایر دلایل ذکر کردند. میانگین درآمد زنان سرپرست خانوار مورد بررسی ۳۳۵۰۰۰ تومان و میانگین درآمد زنان دارای سرپرست ۱۶۹۰۰۰۰ بود. بیش از ۶۴ درصد زنان سرپرست خانوار مورد بررسی درآمد ماهیانه زیر ۵۰۰ هزار تومان داشتند. در صورتی که فقط ۳/۵ درصد زنان دارای سرپرست درآمد ماهیانه زیر ۵۰۰ هزار تومان بودند. از نظر مالکیت منزل مسکونی بیش از نیمی از زنان سرپرست خانوار و ۲۸ درصد زنان دارای سرپرست مورد بررسی مستاجر بودند و در خانه‌ای رهنی و اجاره‌ای زندگی می‌کردند. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ۷/۷ درصد از زنان سرپرست خانوار مورد بررسی بی سواد، ۲۴/۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۵ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۲۳/۱ درصد متوسطه و تنها ۹/۷ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. این در صورتی است که نزدیک به ۴۹ درصد از زنان دارای سرپرست دارای تحصیلات دانشگاهی بودند و فقط ۰/۵ درصد آنان اعلام کردند که فقط بین ۴-۰ تا سال درس خواندند. نکته قابل توجه اینکه ۱۹/۵ درصد از زنان سرپرست خانوار مورد بررسی، دارای ۴ فرزند و بیشتر هستند و این بدان معناست که این زنان علاوه بر خودشان عهده‌دار مسئولیت اقتصادی ۴ فرزند نیز می‌باشند. در صورتی که فقط ۵ درصد از زنان دارای سرپرست دارای این وضعیت هستند. بطور کلی با توجه به نتایج منعکس شده در جدول می‌توان گفت که حالت تک فرزندی و دو فرزندی شکل غالب تعداد فرزندان در هر دو گروه از

زنان مورد بررسی بود. اما درصد بیشتری از زنان سرپرست خانوار مورد بررسی در برابر زنان دارای سرپرست دارای ۳ و ۴ فرزند بودند.

جدول ۲. توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

ویژگی جمعیت‌شناختی		نمونه مورد بررسی				ویژگی جمعیت‌شناختی
		زنان سرپرست خانوار		زنان دارای سرپرست		
سن	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۵-۳۰	۳۶	۱۶/۲	۶۹	۳۴/۲	۶۴	۱۲۹
۳۱-۴۵	۱۵۹	۷۱/۶	۱۱۸	۵۸/۴	۲۸	۵۶
۴۶-۸۰	۲۲	۹/۹	۱۵	۷/۴	۶	۱۲
وضعیت اشتغال						
بیکار	۱۹۵	۸۷/۸	۱۰۹	۵۴	۲	۴
شاغل	۲۷	۱۲/۲	۹۲	۴۵/۵	-	-
درآمد به (هزار تومان)						
۰-۵۰۰	۱۸۶	۸۴	۱۹	۹/۴	-	-
۵۰۱-۱۰۰۰	۳۴	۱۵/۳	۵۸	۲۹	-	-
۱۰۰۱-۲۰۰۰	۱	۰/۵	۸۴	۴۱/۶	-	-
۲۰۰۱-۳۰۰۰	۱	۰/۵	۳۱	۱۵/۳	-	-
و بالاتر ۳۰۰۱	۰	۰	۱۰	۵	-	-
تعداد فرزندان						
بدون فرزند	۲۱	۹/۵	۳۲	۱۵/۸	-	-
۱ فرزند	۳۹	۱۷/۶	۶۲	۳۰/۷		
۲ فرزند	۶۴	۲۸/۸	۷۲	۳۵/۶	۰/۵	۱
۳ فرزند	۵۰	۲۲/۵	۲۶	۱۲/۹	۱۰/۹	۲۲
۴ فرزند و بیشتر	۴۳	۱۹/۵	۸	۵	۴۰/۶	۸۲
					۴۸	۹۷
۱۵ سال و بالاتر					۴/۱	۹

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، در گروه زنان سرپرست خانوار، امنیت عاطفی و اخلاقی و حقوقی به ترتیب با میانگین ۱۰/۹ و ۱۰/۶ و ۱۰/۱ بیشترین و شاخص‌های امنیت جانی، مالی و فرهنگی به ترتیب با میانگین ۲/۴، ۵/۶ و ۹/۳ کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. قابل ذکر است که میانگین کلی احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار نمونه مورد بررسی ۶۷/۳ با دامنه تغییرات ۹۷ و انحراف معیار ۱۴/۷۱ و در زنان دارای سرپرست ۷۴ با انحراف معیار ۱۴/۸ بوده است. به جز در سه بعد احساس امنیت حقوقی، نوامیس و اخلاقی که میانگین هر دو گروه از زنان تقریباً یکسان بوده است در سایر ابعاد زنان دارای سرپرست، میانگین بالاتری نسبت به زنان سرپرست خانوار داشتند. شاید علت مشابهت در این سه بعد این باشد که اگر چه زنان دارای سرپرست به لحاظ مالی، عاطفی، احساسی، فرهنگی، و جانی حمایت سرپرست خود را داشته باشند اما در بطن جامعه به لحاظ تعرض به نوامیس، اخلاقی و حقوقی مشابه زنان سرپرست خانوار احساس امنیت نکنند.

جدول ۳. شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکنندگی ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی در دو گروه از

زنان مورد مطالعه

شاخص	نمونه مورد مطالعه	تعداد گویه	حداقل نمره	حداکثر نمره	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
امنیت جانی	زنان سرپرست خانوار	۳	۰	۱۳	۱۳	۲/۴	۲/۹۵
	زنان دارای سرپرست	۳	۰	۱۵	۱۵	۳/۷	۳/۵
امنیت مالی	زنان سرپرست خانوار	۴	۰	۱۵	۱۵	۵/۶	۳/۳۴
	زنان دارای سرپرست	۴	۱	۱۸	۱۷	۷/۶	۳/۶
امنیت عاطفی	زنان سرپرست خانوار	۴	۰	۱۸	۱۸	۱۰/۹	۳/۱
	زنان دارای سرپرست	۴	۱	۱۹	۱۸	۱۱/۶	۳/۴

ادامه جدول ۳. شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی در دو

گروه از زنان مورد مطالعه

شاخص	نمونه مورد مطالعه	تعداد گویه	حداقل نمره	حداکثر نمره	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
امنیت احساسی	زنان سرپرست خانوار	۴	۰	۱۸	۱۸	۹/۳	۳/۲
	زنان دارای سرپرست	۴	۱	۱۸	۱۷	۱۰	۲/۷
امنیت اخلاقی	زنان سرپرست خانوار	۴	۰	۱۶	۱۶	۱۰/۶	۲/۹۵
	زنان دارای سرپرست	۴	۳	۱۸	۱۵	۱۱	۲/۶
امنیت فرهنگی	زنان سرپرست خانوار	۴	۰	۱۷	۱۷	۹/۴	۳/۴۹
	زنان دارای سرپرست	۴	۰	۱۹	۱۹	۱۰/۸	۳
امنیت حقوقی	زنان سرپرست خانوار	۴	۰	۱۶	۱۶	۱۰	۳
	زنان دارای سرپرست	۴	۲	۱۷	۱۵	۱۰/۴	۲/۹
امنیت نوامیس	زنان سرپرست خانوار	۴	۰	۲۰	۲۰	۸/۹	۴/۶
	زنان دارای سرپرست	۴	۰	۱۹	۱۹	۸/۸	۴/۳
شاخص کلی احساس امنیت	زنان سرپرست خانوار	۳۱	۴	۱۰۱	۹۷	۶۷/۳	۱۴/۷۱
	زنان دارای سرپرست	۳۱	۲۰	۱۳۱	۱۱۱	۷۴	۱۴/۸

برای شناخت رابطه بین احساس امنیت اجتماعی (بعنوان متغیر وابسته) و سرپرست خانوار بودن (بلی/ خیر) از آزمون T استفاده شده است. همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، تفاوت نمره احساس امنیت اجتماعی زنان دارای سرپرست از نظر مالی، جانی، احساسی، عاطفی

و فرهنگی به طور معناداری بیشتر از زنان سرپرست خانوار می‌باشد. شاید این امر به خاطر وجود حمایت‌های سرپرست خانوار از این گروه زنان باشد و لی در مورد عدم وجود رابطه معنادار در سایر ابعاد (حقوقی، اخلاقی و نوامیس) شاید بتوان گفت که این نوع امنیت‌ها فقط توسط حمایت‌های سرپرست خانوار تامین نگردد و باید زنان در بطن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند احساس امنیت داشته باشند و فقط حمایت همسر و یا سرپرست به تنهایی کافی نباشد. میانگین نمره کلی شاخص احساس امنیت اجتماعی در زنان دارای سرپرست ۷۴ و در زنان سرپرست خانوار برابر با ۶۷ است که این تفاوت ۷ رقمی در سطح ۰/۰۰۰ معنادار بود و می‌توان گفت که زنان دارای سرپرست با اطمینان ۹۹ درصد احساس امنیت بیشتری نسبت به زنان سرپرست خانوار دارند.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی در دو گروه از زنان خود سرپرست و دارای

سرپرست

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	کمیت تی	انحراف معیار	میانگین	مشاهدات	نوع سرپرستی	احساس امنیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۴۲۲	۴/۲۳	۳	۲/۴	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	جانی
			۳/۵	۳/۷	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	
۰/۰۰۰	۴۲۲	۵/۸	۳/۴	۵/۶	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	مالی
			۳/۶	۷/۶	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	
۰/۰۰۷	۴۲۲	۲/۷	۳/۲	۹/۳	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	احساسی
			۲/۷	۱۰	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	
۰/۰۲۳	۴۲۲	۲/۳	۳	۱۰/۹	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	عاطفی
			۳/۴	۱۱/۶	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	

ادامه جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی در دو گروه از زنان خود سرپرست و

دارای سرپرست

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	کمیت تی	انحراف معیار	میانگین	مشاهدات	نوع سرپرستی	احساس امنیت اجتماعی
۰/۷۲۰	۴۲۲	-۰/۳۵۹	۴/۶	۸/۹	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	نوامیس
			۴/۳	۸/۸	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	
۰/۲۳۰	۴۲۲	۱/۲	۳	۱۰	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	حقوقی
			۲/۹	۱۰/۴	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	
۰/۰۰۰	۴۲۲	۴/۴۵	۳/۵	۹/۴	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	فرهنگی
			۳	۱۰/۸	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	
۰/۱۱۷	۴۲۲	۱/۵۸	۳	۱۰/۶	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	اخلاقی
			۲/۶	۱۱	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	
۰/۰۰۰	۴۲۲	۴/۷۸	۱۴/۷	۶۷/۳	۲۲۲	زنان سرپرست خانوار	شاخص کلی امنیت اجتماعی
			۱۴/۸	۷۴	۲۰۲	زنان دارای سرپرست	

حمایت اجتماعی، نگرش زنان نسبت به پوشش و احساس امنیت اجتماعی

حمایت اجتماعی یک تبادل فکری است که طی آن فردی به فرد دیگر کمک می‌کند و می‌تواند بعنوان یک منبع خارجی اثرات ناشی از مشکلات فرد را کاهش داده و موجب بالا رفتن احساس امنیت در افراد گردد. چنانچه زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار از منابع حمایتی خانواده و اجتماع برخوردار باشند مجبور نیستند به تنهایی بار تمام مشکلات را به دوش بکشند و توانایی

بیشتری جهت اداره زندگی و حتی ایجاد انگیزه جهت فعالیت‌های محله و شهر خود داشته و توانمندی‌های آنان را افزایش خواهد داد. نتایج منعکس در جدول ۵ حاکی از همبستگی مثبت بین حمایت اجتماعی درک شده در هر دو گروه از زنان مورد بررسی و احساس امنیت اجتماعی در آنان است. این همبستگی در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ معنی‌دار بوده، بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت: هرچه قدر فرد بیشتر مورد حمایت اجتماعی قرار بگیرد میزان احساس امنیت اجتماعی در وی افزایش می‌یابد. این نتیجه هم در مورد زنان سرپرست خانوار هم زنان دارای سرپرست بدست آمد. در واقع شاید بتوان گفت که داشتن و درک حمایت توسط (خویشاوندان و دوستان و نزدیکان) می‌تواند یکی از عوامل تعیین کننده احساس امنیت اجتماعی در زنان باشد. یکی دیگر از متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر نگرش زنان نسبت به پوشش است. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۵، در زنان سرپرست خانوار بین احساس امنیت اجتماعی و نگرش به پوشش همبستگی مثبت وجود دارد. این همبستگی در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۵ معنی‌دار بوده، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت: هرچه قدر نگرش فرد نسبت به پوشش مثبت‌تر باشد، میزان احساس امنیت اجتماعی در وی افزایش می‌یابد. بین این دو متغیر در زنان دارای سرپرست رابطه معنی‌داری ملاحظه نگردید. شاید بتوان گفت که زنان سرپرست خانوار به علت تنها بودن نگرش مثبت‌تری نسبت به پوشش دارند و همین نگرش مثبت‌تر تاثیر مثبتی بر افزایش احساس امنیت اجتماعی در آنان داشته است.

جدول ۵. مقدار و سطح معنی‌داری ضریب همبستگی پیرسون بین احساس امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی و نگرش زنان به پوشش

متغیرها	نمونه مورد بررسی	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
حمایت اجتماعی احساس امنیت اجتماعی	زنان سرپرست خانوار	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰
	زنان دارای سرپرست	۰/۲۵۵	۰/۰۰۰
	کل زنان مورد بررسی	۰/۳۳۹	۰/۰۰۰
نگرش به پوشش احساس امنیت اجتماعی	زنان سرپرست خانوار	۰/۱۳۹	۰/۰۳۸
	زنان دارای سرپرست	-۰/۰۶۵	۰/۳۵۶
	کل زنان مورد بررسی	۰/۰۰۶	۰/۹۰۳

اشتغال، تحصیلات، درآمد و احساس امنیت اجتماعی در زنان

وضعیت اشتغال زنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای جمعیتی است که برای تبیین بخشی از واریانس احساس امنیت اجتماعی در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. فقدان شغل یا درآمد مکفی جهت امرار معاش به ویژه در زنان سرپرست خانوار، خود زمینه ساز بروز مشکلاتی از قبیل تامین مخارج زندگی و هزینه‌های تحصیل و... فرزندان در کنار نگهداری و مراقبت از آنان (با توجه به آنکه مادر بیشترین شایستگی را در پرورش و حفظ فرزند دارد) بار سنگینی بر دوش زنان خواهد گذاشت که به طبع بر احساس امنیت اجتماعی آنان اثرگذار خواهد بود. در پژوهش حاضر برای شناخت رابطه بین احساس امنیت اجتماعی (بعنوان متغیر وابسته) و وضعیت اشتغال زنان (بلی/ خیر) از آزمون T استفاده شده است با توجه به میانگین های دو گروه و سطح معنی داری جدول ۶، ملاحظه می‌شود که از لحاظ احساس امنیت اجتماعی بین آنهایی که شاغل بودند و آنهایی که بیکار بودند تفاوت معنی داری وجود دارد. به طوری که، آنهایی که شاغل بودند میانگین احساس امنیت اجتماعی شان $۷۵/۶$ و آنهایی که بیکار بودند میانگین احساس امنیت اجتماعی شان برابر $۶۸/۶$ می‌باشد. با توجه به سطح اطمینان یا معنی داری ($۰/۰۰۰$) می‌توان نتیجه گرفت تفاوت در احساس امنیت اجتماعی در بین آنهایی که شاغل بودند و آنهایی که بیکار بودند در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. پس می‌توان گفت: شاغل بودن یکی از عوامل مؤثر در افزایش احساس امنیت اجتماعی زنان است.

جدول ۶: آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال

اشتغال	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمیت (t)	درجه آزادی*	سطح معنی داری
بلی	۱۱۹	۷۵/۶	۱۲/۷	۴/۳۵۵	۴۲۲	۰/۰۰۰
خیر	۳۰۵	۶۸/۶	۱۵/۶			

$$*. df = N_1 + N_2 - 2$$

همچنین تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال را در دو گروه از زنان (دارای سرپرست و خود سرپرست) بطور جداگانه بررسی کردیم. میانگین احساس

امنیت اجتماعی در زنان دارای سرپرست شاغل و بیکار به ترتیب ۷۶/۴۶ و ۷۲ بوده است. میانگین‌های مشابه برای زنان سرپرست خانوار شاغل و بیکار به ترتیب ۷۲/۶۲ و ۵۶/۵۶ بوده است. تفاوت‌های بدست آمده در هر دو گروه معنا دار بودند.

میزان درآمد و تحصیلات از دیگر متغیرهایی هستند که بر اساس پیشینه پژوهش و مبانی نظری بر میزان احساس امنیت اجتماعی تاثیر می‌گذارند. بر اساس اطلاعات جدول ۷، با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۸۶)، بین میزان درآمد و احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار همبستگی معناداری مشاهده نگردید. در طرف مقابل با افزایش میزان درآمد در زنان دارای سرپرست میزان احساس امنیت اجتماعی در آنان نیز افزایش می‌یابد. همین نتیجه در مورد کلیه زنان مورد بررسی نیز مشاهده گردید. همچنین نتایج مطالعه رابطه معنی‌داری بین احساس امنیت اجتماعی و میزان تحصیلات زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد، با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۲)، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت هر چقدر سواد زنان سرپرست خانوار بیشتر باشد احساس امنیت اجتماعی در آنان افزایش می‌یابد. اگر چه رابطه معنی‌داری بین میزان تحصیلات و احساس امنیت اجتماعی در زنان دارای سرپرست ملاحظه نگردید. رابطه بدست آمده در کل نمونه مورد بررسی معنی‌دار بود.

جدول ۷. مقدار و سطح معنی‌داری ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای احساس امنیت اجتماعی،

درآمد و تحصیلات

متغیرها	نمونه مورد بررسی	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
درآمد احساس امنیت اجتماعی	زنان سرپرست خانوار	۰/۲۲۷	۰/۰۸۶
	زنان دارای سرپرست	۰/۲۲۰	۰/۰۰۲
	کل زنان مورد بررسی	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات احساس امنیت اجتماعی	زنان سرپرست خانوار	۰/۲۰۵	۰/۰۰۲
	زنان دارای سرپرست	۰/۰۴۱	۰/۵۶۰
	کل زنان مورد بررسی	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰

برای شناخت رابطه بین احساس امنیت اجتماعی (به‌عنوان متغیر وابسته) با علت سرپرستی پاسخگویان (بعنوان متغیر مستقل اسمی چهار وجهی) از تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شده است. خلاصه یافته‌های آزمون در جدول ۸ آورده شده است. قابل ذکر است که ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی را از نظر تفاوت میانگین بر حسب علت سرپرستی مورد آزمون قرار دادیم. مطابق با جدول، از نظر احساس امنیت جانی زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر کمترین میانگین را نسبت به سایر گروه‌ها داشتند که این تفاوت با دو گروه زنان سرپرست به علت فوت همسر و سایر موارد (زندانی همسر، اعتیاد همسر، بد سرپرستی و...) از نظر آماری معنی دار بود. میانگین احساس امنیت جانی در زنان مطلقه، فوت همسر، از کارافتادگی همسر و سایر علل به ترتیب برابر با (۲/۱، ۲/۵۵، ۱/۱، ۳/۴) بوده است. از نظر امنیت مالی تفاوت معنی داری بین زنان سرپرست خانوار در گروه‌های مختلف مشاهده نگردید؛ شاید بتوان گفت که معمولاً زنان سرپرست خانوار به هر علتی که سرپرستی خانوار خود را بر عهده گرفتند، جزء اقشار حاشیه نشین اقتصادی (معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۶؛ شادی طلب و گرابی‌نژاد، ۱۳۸۳) و با درآمد کم محسوب می‌شوند و همه آنها جزء اقشار کم درآمد هستند و در نتیجه تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مختلف از نظر آماری معنادار نبوده است. از نظر امنیت عاطفی میانگین زنان سرپرست خانوار به علت از کارافتادگی همسر نسبت به سایر زنان بالاتر بوده است و این گروه از زنان با زنان سرپرست به علت فوت همسر و سایر علل از نظر آماری معنی دار بوده است اما بین سایر زنان تفاوت معنی داری مشاهده نگردید. شاید بتوان گفت که وجود مرد در خانوار ولو اینکه از کار افتاده باشد، به لحاظ روانی به عنوان تکیه‌گاه برای زن و سایر اعضا تلقی گردد و همین امر باعث می‌شود که زنان سرپرست خانواری که به علت از کارافتادگی همسر سرپرستی خانوار خود را بر عهده گرفتند از نظر عاطفی احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر زنان داشته باشند. از لحاظ امنیت احساسی همچنین زنانی که به علت از کار افتادگی همسر سرپرست خانوار خود بودند نسبت به سایر زنان میانگین بالاتری داشتند اگر چه این تفاوت از نظر معنی‌داری فقط با زنانی که به علت فوت همسر، سرپرستی خانوار خود را به عهده گرفته بودند معنی‌دار بوده است. میانگین بعد امنیت احساسی در زنان

سرپرست خانوار به علت طلاق، فوت همسر، از کار افتادگی همسر و سایر موارد به ترتیب عبارتند از (۹/۳۸، ۹، ۱۰/۸ و ۹/۲). از نظر امنیت اخلاقی تفاوت معنی داری بین زنان گروه‌های مختلف تفاوتی مشاهده نشد. از نظر امنیت فرهنگی میانگین زنان سرپرست خانوار به علت (زندانی همسر، اعتیاد همسر، بد سرپرستی و...) از سایر زنان بالاتر بوده است و این تفاوت فقط با زنان سرپرست به علت از کار افتادگی همسر معنی دار بوده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر نسبت به سایر زنان میانگین بالاتری دارند و این تفاوت با زنان سرپرست به علت فوت همسر معنی دار بوده است. آخرین بعد مورد بررسی بعد امنیت نوامیس بوده است که اگر چه در این بعد هم امنیت زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر از سایر زنان بالاتر بوده است اما تفاوت معنی داری با سایر گروه‌ها نداشته است. سایر ابعاد احساس امنیت اجتماعی (مالی، اخلاقی و نوامیس) که در بین زنان مورد بررسی تفاوت معنی داری نداشتند در جدول گزارش نگردیدند.

جدول ۸. آزمون تفاوت میانگین ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی بر حسب علت سرپرستی

سطح معنی داری	کمیت (F)	انحراف معیار	میانگین	مشاهدات	علت سرپرستی	احساس امنیت اجتماعی
۰/۰۰۴	۴/۰۵۲	۲/۵	۲/۱	۶۲	طلاق	احساس امنیت جانی
		۳/۱	۲/۵	۷۰	فوت همسر	
		۱/۸	۱/۱	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۲/۶	۳/۴	۲۱	سایر موارد ^۱	
۰/۰۰۸	۴/۰۴۲	۳/۱	۱۰/۸	۶۲	طلاق	احساس امنیت عاطفی
		۲/۶	۱۰/۸	۷۰	فوت همسر	
		۲/۲	۱۲/۳	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۳/۳	۱۰/۱	۲۱	سایر موارد	

۱ منظور از سایر مواردی نظیر اعتیاد، بدسرپرستی، متواری بودن و زندانی همسر می‌باشد.

ادامه جدول ۸. آزمون تفاوت میانگین ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی بر حسب علت سرپرستی

سطح معنی‌داری	کمیت (F)	انحراف معیار	میانگین	مشاهدات	علت سرپرستی	احساس امنیت اجتماعی
۰/۰۲۱	۳/۳۳۶	۲,۹	۹,۴	۶۲	طلاق	احساس امنیت احساسی
		۲,۹	۹	۷۰	فوت همسر	
		۲,۷	۱۰,۸	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۳,۲	۹,۲	۲۱	سایر موارد	
۳/۴۲	۰/۰۱۸	۳,۵	۹,۶	۶۲	طلاق	احساس امنیت فرهنگی
		۳,۷	۹,۴	۷۰	فوت همسر	
		۲,۹	۸,۵	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۲,۷	۱۱,۴	۲۱	سایر موارد	
۰/۰۰۷	۴/۲	۳	۱۰,۱	۶۲	طلاق	احساس امنیت حقوقی
		۲,۸	۱۰	۷۰	فوت همسر	
		۱,۸	۱۱,۵	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۲	۱۱,۳۰	۲۱	سایر موارد	

برای اشاره به مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست رگرسیون چند متغیری برای هر گروه از زنان به طور جداگانه انجام شده است. با توجه به جدول ۹ می‌توان مشاهده کرد که در زنان سرپرست خانوار از مجموع ۸ متغیر وارد شده در معادله رگرسیون، ۳ متغیر حمایت اجتماعی، سواد و درآمد، رابطه معنی‌داری را با احساس امنیت اجتماعی دارند. هر سه متغیر مذکور رابطه مثبت با احساس امنیت اجتماعی دارند. با توجه به ضرایب رگرسیونی (بتاها) در زنان سرپرست خانوار، حمایت اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با احساس امنیت اجتماعی دارد. با توجه به مقادیر ضرایب

رگرسیون، متغیرهای تاثیرگذار بر میزان احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار را می‌توان به صورت استاندارد شده در معادله زیر نوشت:

$$\text{سواد} (0/977) + \text{حمایت اجتماعی} (0/799) + \text{مقدار ثابت} (44/988) = \text{احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار } e + \text{درآمد} (0/843)$$

در زنان دارای سرپرست، از مجموع ۸ متغیر وارد شده در معادله رگرسیون، ۴ متغیر حمایت اجتماعی، درآمد، سن و سواد، رابطه معنی داری را با احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. ضریب تعیین تصحیح شده نشان می‌دهد که حدود ۱۴/۳ درصد از تغییرات میزان احساس امنیت اجتماعی در زنان دارای سرپرست توسط ۴ متغیر ذکر شده تبیین می‌شود. با توجه به ضرایب رگرسیونی، در زنان دارای سرپرست، حمایت اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با میزان احساس امنیت اجتماعی دارد. با توجه به مقادیر ضرایب رگرسیونی، متغیرهای تاثیرگذار بر میزان احساس امنیت اجتماعی در زنان دارای سرپرست را می‌توان به صورت استاندارد شده در معادله زیر نوشت:

$$\text{سواد} (0/546) + \text{حمایت اجتماعی} (0/667) + \text{مقدار ثابت} (68/732) = \text{احساس امنیت اجتماعی در زنان دارای سرپرست } e + \text{سن} (0/410) + \text{درآمد} (0/489)$$

جدول ۹. رگرسیون چند متغیره‌ی تاثیر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست

زنان دارای سرپرست		زنان سرپرست خانوار		ویژگی
سطح معنی داری	بتا	سطح معنی داری	بتا	متغیرهای مستقل
0/001	0/238	0/001	0/303	حمایت اجتماعی
0/01	0/211	0/004	0/251	سواد
0/029	0/178	0/036	0/160	درآمد
	0/455		0/434	ضریب همبستگی R
	0/192		0/189	ضریب R ²
	0/143		0/138	ضریب R ² تعدیل یافته
	0/000		0/000	معنی داری آزمون F

نتیجه‌گیری

زنان در گذشته اغلب اوقات خود را در منزل و جهت انجام فعالیت‌های خانگی صرف می‌نمودند، در حالی که امروزه بخش عمده‌ای از فرصت‌های آنها در محیط‌های اجتماعی و شغلی می‌گذرد و این وارد شدن به محیط‌های مختلف شغلی و اجتماعی با به جای گذاشتن اثرات قابل ملاحظه‌ای بر خانواده، تحولات اساسی در روابط، شکل و ترکیب آن ایجاد نموده است. به دلیل اینکه زنان همپای مردان به کار و فعالیت پرداخته و در زمان‌های بسیار، بیشترین وقت خویش را در خارج از خانه می‌گذرانند، در نتیجه امکان مواجهه با آسیب‌های اجتماعی برای آنان افزایش یافته است از این رو چنین به نظر می‌رسد که لازم است مبحثی مانند احساس امنیت در آنان جدی‌تر مورد بحث قرار گیرند. به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن جامعه و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم‌تر از وجود امنیت است؛ چرا که واکنش‌های فردی در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد بود. زنان سرپرست خانوار خود حکایت دیگری دارد. در جوامعی مانند جامعه ایران، معمولاً مردان نان‌آور خانواده بوده و زنان به کار خانه داری مشغول هستند. اما عرف جامعه ایرانی و سنت دینی ما با اشتغال زنان در بیرون از خانه مخالفت چندانی ندارد و لذا زنان می‌توانند خارج از منزل نیز به کار پرداخته و مسئولیت نان‌آوری خانواده را بر عهده گیرند. آنچه موجب می‌شود سرپرستی زنان خانوار به عنوان یک مسأله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شوند. حال سوال اساسی آن است که زنان در جامعه ما تا چه اندازه از نظر اجتماعی احساس امنیت می‌کنند؟ آیا زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست از نظر احساس امنیت اجتماعی تفاوت دارند؟ در نهایت اینکه مهم‌ترین عوامل اجتماعی و جمعیتی احساس امنیت اجتماعی در زنان کدام‌اند؟ نتایج مطالعه‌ی حاضر حاکی است که اولین و بزرگ‌ترین مسئله‌ی زنان سرپرست خانوار، اقتصادی است، به طوری که میانگین درآمد ماهیانه آنها در مطالعه‌ی حاضر ۳۳۵۰۰۰ تومان بوده

است و از نظر بیشتر پاسخ‌گویان مهم‌ترین عاملی که باعث احساس ناامنی در آنها بود عامل فقر مالی و بیکاری بیان شد. آنها از سطح درآمد بسیار پایین و نیز توان پرداخت هزینه‌های اندکی برخوردارند که معمولاً صرف نیازهای اولیه‌ی خود آنها و خانواده‌شان شده و در موارد زیادی نیز برای همان نیازها هم کفایت نمی‌کند. طبق نظریات مکتب کوپنهاگ، زنان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که هویت مخصوص به خود دارند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ها، تعهد مذهبی و ... می‌توانند در ایجاد احساس امنیت در آنها دخیل باشند؛ چنان‌که این عوامل می‌توانند در حقوق زنان، آزادی بیان و آزادی دینی تأثیرگذار باشند و به انواع تهدیداتی که بوزان به آن اشاره می‌کند، منتهی شوند. معیدفر و حمیدی (۱۳۸۶) در تحقیق خود بیان کردند که قسمت بزرگی از دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های زنان سرپرست خانوار به مسئله‌ی اقتصاد و مسائل پیرامونی آن مانند مسکن، بیکاری و ... معطوف می‌شود. داده‌ها حاکی است که این زنان و خانواده‌هایشان بیشتر جزء اقشار حاشیه‌نشین محسوب شده و شرایط سختی را می‌گذرانند.

همچنین نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در زنان مطالعه شده، بعد از مسئله‌ی اقتصادی، از آنجا که مردی سرپرستی این زنان را بر عهده ندارد، تعرض به نواامیس و خشونت‌های شهری در رده‌های بعدی احساس ناامنی قرار دارد. بیشتر این زنان، تجاربی از خواهش‌های نابجای مردان دارند. ناامنی برای آنها به مشکلات دیگری هم دامن زده و روابط اجتماعی‌شان را مخدوش می‌کند. زنان دیگر از گسترش رابطه با این زنان می‌پرهیزند تا مبادا مردان خانواده‌شان به زنان بی‌سرپرست تمایلی پیدا کنند و مردان دیگر هم برای جلوگیری از برچسب خوردن با این زنان رابطه برقرار نمی‌کنند. پیامد مخدوش شدن روابط اجتماعی، به هم خوردن تعادل روانی است. این زنان و فرزندانشان از میزان بیشتری از استرس، اضطراب، افسردگی و دیگر ناآرامی‌های روانی رنج می‌برند. در طرف مقابل عدم وجود شایسته‌سالاری، عدم وجود صداقت، عدم احترام به حقوق فردی و ... مهم‌ترین موارد احساس ناامنی گزارش شده توسط زنان دارای سرپرست بودند. احساس امنیت در زنان دارای سرپرست، از نظر مالی، جانی، احساسی، عاطفی و فرهنگی به طور معناداری بیشتر از زنان سرپرست خانوار بود. ولی در سایر ابعاد تفاوت معنی داری مشاهده نگردید.

نتایج آزمون‌های همبستگی نشان داد که بین متغیرهای میزان تحصیلات، نگرش زنان نسبت به پوشش و حمایت اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد، به طوری که زنان با سطح تحصیلات بالاتر و نگرش مثبت‌تر نسبت به پوشش بیشتر احساس امنیت می‌کردند و همچنین نتایج نشان داد که با افزایش میزان حمایت اجتماعی، میزان احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد. حمایت اجتماعی یک تبادل فکری است که طی آن فردی به فرد دیگر کمک می‌کند و می‌تواند به عنوان یک منبع خارجی آثار ناشی از مشکلات فرد را کاهش داده و بالا رفتن احساس امنیت در افراد را افزایش دهد. از نظر بوزان آنچه سبب سامان یافتن گروه اجتماعی می‌شود، احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی خواهد بود. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه‌ها و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به عنوان "ما" یاد می‌کنند؛ برای مثال ما مسلمان‌ها، ما زنان و ... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه شود، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت، چنانچه زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار منابع حمایتی خانواده و اجتماع را داشته باشند، مجبور نیستند به تنهایی بار تمام مشکلات را به دوش بکشند و توانایی بیشتری برای اداره‌ی زندگی و حتی ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های محله و شهر خود داشته و توانمندی‌های آنها را افزایش خواهد داد. این نتایج همسو با نتایج سید میزایی، عبداللهی و کمریگی (۱۳۹۰) و جهانگیری و مساوات (۱۳۹۲) است.

یافته‌های حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میانگین احساس امنیت اجتماعی در ابعاد مختلف آن بر حسب علت سرپرستی (در زنان سرپرست خانوار) نشان داد زنانی که به علت از کار افتادگی همسر، سرپرست خانوار خود هستند در بیشتر ابعاد احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر زنان دیگر داشته‌اند. در تحقیقات و تجربیات گذشته مشخص گردیده که زن و شوهر می‌توانند منبع بزرگ حمایتی برای یکدیگر باشند و در حل مشکلات به هم کمک کنند و حتی اگر قادر نباشند که مشکل یکدیگر را حل کنند یک منبع آرامش برای هم

می باشند. لذا به نظر می‌رسد این گروه از زنان از حمایت‌های عاطفی همسران خود برخوردار هستند و از نظر اجتماعی نسبت به سایر زنان مطلقه و بیوه بیشتر احساس امنیت می‌کنند.

تحلیل نتایج رگرسیون چند متغیری به تفکیک زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست نشان می‌دهد که در هر دو گروه از زنان مورد مطالعه متغیرهای حمایت اجتماعی، سواد و درآمد تغییرات احساس امنیت در زنان را تبیین می‌کنند. با پذیرش نقش این سه متغیر در توانمندی زنان، به دست می‌آید که توانمندسازی زنان، بدون در نظر گرفتن اینکه سرپرست خانوار باشند یا دارای سرپرست نقش مهمی در احساس امنیت اجتماعی آنان دارد و سبب بالا رفتن اعتماد به نفس، کسب یک هویت مستقل، بهبود وضعیت اجتماعی آنها و در نهایت احساس امنیت بیشتر در ایشان می‌شود که کل جامعه از آن منتفع خواهد شد. متغیر حمایت اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با احساس امنیت اجتماعی در هر دو گروه از زنان داشته است. این نتیجه همسو با مطالعه‌ی ویور (۲۰۱۰) در ایالات متحده است. زنان و دخترانی که از کمک‌های مادی و عاطفی خانواده در مواقع ضروری در زندگی بهره‌مند بودند، احساس امنیت بیشتری داشتند. در سطح فراتر از خانواده هم، پاسخ‌گویی که معتقد بودند در زمان وقوع مشکلی (مانند اینکه در خیابان افراد ولگرد برای آنها مزاحمت ایجاد کنند) کمک و یاری‌آشنای، همسایه‌ها و حتی سایر مردم را دریافت می‌کنند، احساس امنیت بیشتری داشتند. اگر چه مهم‌ترین مسئله‌ی زنان سرپرست خانوار مسئله‌ی اقتصادی است، اما فقر این زنان ابعاد چندگانه‌ی اجتماعی، روانی و فرهنگی دارد. فقر زنان به ویژه دسترسی نداشتن به منابع و نیز بی‌سوادی و کم‌سوادی و در نتیجه پایین بودن سطح آگاهی‌های بیشتر زنان سرپرست خانوار نسبت به مشارکت اجتماعی، زمینه‌ی توانمندی اجتماعی آنها را فراهم نکرده است. افزایش منابع قدرت و موقعیت اجتماعی زنان تأثیر بسزایی در امنیت آنها دارد. تسهیلات، توان مالی، همچنین وضع قوانین حقوقی و اجتماعی برابر میان زن و مرد موجب امنیت بخشی بیشتر به زنان می‌شود. در واقع شاید بتوان گفت که تئوری امنیت اجتماعی با الگو گرفتن از مکتب کپنهاگ و استفاده از نظریات باری بوزان (۱۳۷۸) و ویور (۲۰۱۰) در سطح تجربی تأیید شد؛ چرا که امنیت در گرو توان و قدرت واحد اجتماعی تعریف شده است.

منابع

- افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵) امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- افشانی، سید علیرضا و راضیه ذاکری هامانه (۱۳۹۱) "مطالعه تطبیقی احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد"، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۳۹۱، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۶۲-۱۴۵.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهانگیری، جهانگیر و ابراهیم مساوات (۱۳۹۲) "بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان ۴۰-۱۵ ساله شهر شیراز"، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال ۲، ش ۲.
- روی، پل (۱۳۸۲) "درآمدی بر امنیت اجتماعی" ترجمه‌ی منیژه نویدنیا، *مطالعات راهبردی*، سال ۶، ش ۱۹.
- ریچارد، جنکینز (۱۳۸۱) *هویت اجتماعی*، (ترجمه تورج یاراحمدی)، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- سربابی، حسن (۱۳۸۲) *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- سیدمیرزایی، سید محمد، عبداللهی، زهرا و خلیل کمربگی (۱۳۹۰) "بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه: زنان شهر ایلام"، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۲۸، صص ۱۰۸-۷۹.
- شادی طلب، ژاله و علیرضا گرابی نژاد (۱۳۸۳) "فقر زنان سرپرست خانوار"، *پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۷۰-۴۹.
- علوم اجتماعی در تهران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* (پژوهش) دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- کاهه، احمد (۱۳۸۴) "مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی"، جلد ۱، تهران: انتشارات گلپونه.
- کامران، فریده و سمیه عبادتی نظری (۱۳۸۹) "عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های شهر تهران"، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال سوم، شماره ششم.
- گروسی، سعیده، جلال میرزایی و احسان شاهرخی (۱۳۸۶) "بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)"، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال نهم، شماره دوم، صص ۳۹-۲۶.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *تجدد و تشخیص*، (ترجمه ناصر موفقیان)، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، ۱۳۹۰.
- معیدفر، سعید و نفیسه حمیدی (۱۳۸۶) "زنان سرپرست خانوار: نکته‌ها و آسیب‌های اجتماعی"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۲، صص ۱۵۸-۱۳۱.
- موتیمر، دیوید (۱۳۸۰) "فراسوی استراتژی؛ اندیشه انتقادی و مطالعات امنیتی نوین"، (ترجمه محمود عسکری)، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، شماره سوم، صص ۳۹۶-۳۸۳.
- میرزا حسینی، حسن (۱۳۸۸) "بررسی امنیت اجتماعی زنان قم"، *پژوهشنامه استان قم*، شماره ۵، صص ۲۷۲-۲۳۵.
- نبوی، عبدالحسین و علی حسین حسین‌زاده (۱۳۸۹) "بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر احساس امنیت اجتماعی"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره پیاپی ۴۰.
- نوروزی، فیض‌الله، و سپهر فولادی (۱۳۸۸) "بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن"، *فصلنامه راهبرد*، ۱۳۸۸، سال ۱۸، شماره ۵۳.
- Bell, W (1998) "Women and community safety", Bell Planning Associates South Australia, (32):1-26.
- Bonnete, C and P. Godefroy (2007) "Effects of Security Location on Social Security in France", *Population*, 61(1):41-70.
- Buzan, B. (1991). *People, states and fear*. London: Harvester Wheatsheaf.
- Buzan, B. (2000) *Security Studies: Beyond Strategy*, Dinamarca: Copenhagen Peace
- Duna, V and D. Dacian (2007) "War, Migration and Societal Security: The Case of the Iraq Kurdish Diasporas in Europe", *Political Studies*, 5(2): 233-245.
- Eeden-Moorefield, B., K. Pasley, M.E Dolan and E. Margorie (2007) "From Divorce to Remarriage: Financial Management and Security among Remarried Women", *Journal of Divorce & Remarriage*, 47(3/4): 21-42.
- Jackson, J. (2006) Introducing Fear of Crime to Risk Research. *Risk Analysis*. 26(1): 253-64.
- Kim, S. (2008) "Concept of Societal Security and Migration Issues in Central Asia and Russia", *CAMMIC Working Papers*, No.2, p.p. 1-20.
- McGowan, L. (1990) The determinants and consequences of female-headed households, The Population Council: International Center for Research on Women.
- Panic, B. (2009) "Societal Security - Security and Identity", *Western Balkans Security Observer (WBSO)*, 13: 29-38.
- Sarafino, E. P (1998) *Health Psychology*, (Third Edition), New York: John Wiley & Sons.
- Stanko, E (1992) "The Case of Fearful Women: Gender, Personal Safety and Fear of Crime", *Women Criminal Justice*, 4:35-117.

- Schulz, Ute and R, Schwartzberg (2004). Long- term effects of spousal support on coping with cancer after surgery, *Journal of Social and Clinical Psychology*, 23(5): 716- 32.
- Weaver, D. (2010) "Social Security and Social Support", *Journals of Gerontology*, 61(1): S24-S34.
- Zimet, G.D, N.W Dahlem, S.G Zimet, G. K Farley (1998) "The Multidimensional Scale of Perceived Social Support", *Journal of Personality Assessment*, 52: 30-41.

